



مجموعہ رسائل عرفانی

شربِ مدام

ماوریا ایکس رخ یاریدہ کم
ای بی خبر ز لذت شربِ مدام





سیرت النبی کریم

سیرت النبی کریم



انتشارات آیت اشراق
قم / خیابان ارم / پاساژ قدس / پلاک ۸۶

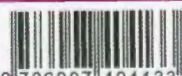
پیام کوتاه: ۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۴۶۵۰

تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۶۲۸

www.eshraqco.com

E-mail: info@eshraqco.com



9 786007 404133





مجموعه رسائل عرفانی

و ما دریا را عکس رخ یار دیدم ای بی خبر ز لذت شرب مدام

به اهتمام:

م. نجفی

انتشارات آیت اشراق

سرشناسه	نجفی، محمود
عنوان قراردادی	شرب مدام (مجموعه رسائل عرفانی)
عنوان و نام پدیدآور	مجموعه رسائل عرفانی، به اهتمام محمود نجفی
مشخصات نشر	قم: آیت اشراق، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری	ص. ۵۴۴
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۱۳-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۳۶۱-۳۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت	نمایه
موضوع	فلسفه اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
موضوع	عرفان اسلامی - متون قدیمی تا قرن ۱۴
شناسه افزوده	نجفی، محمود - مصحح
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۳ ش ۴ / ن ۳ / ۲۸۶ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷/۸۳



انتشارات آیت اشراق

شرب مدام
مجموعه رسائل عرفانی

■ به اهتمام: م. نجفی ■ ناشر: آیت اشراق

■ نوبت چاپ: اول. ۹۳ ■ تیراژ: ۱۰۰۰ ■ چاپ: گل وردی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۰۴-۱۳-۳

این کتاب مجموعه‌ای گرانبها از رسائل عرفانی قدما می‌باشد.

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۶

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۴۶۵۰ / نامبر: ۰۲۵ ۳۷۷۴۹۶۲۸

پیام کوتاه: ۰۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

www.eshraqco.com

E-mail: info@eshraqco.com

ayat.eshraq@gmail.com

تمامی حقوق آثار انتشارات آیت اشراق برای ناشر محفوظ بوده،
و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و ...) ممنوعیت قانونی و شرعی دارد.

وصیت نامه مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ
وَبِقِلَّةِ الطَّعَامِ وَقِلَّةِ الْمَنَامِ وَقِلَّةِ الْكَلَامِ
وَمُوَظَبَةِ الصِّيَامِ وَدَوَامِ الْقِيَامِ
وَتَرْكِ الشَّهَوَاتِ عَلَى الدَّوَامِ
وَإِحْتِمَالِ الْجَفَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْأَنَامِ
وَتَرْكِ مُجَالَسَةِ السُّفَهَاءِ وَالْعَوَامِ
وَمُضَاجَبَةِ الصَّالِحِينَ وَالْكَرَامِ
وَأَنَّ خَيْرَ النَّاسِ مَنْ يَنْفَعُ النَّاسَ
وَخَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَذَلَّ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ

شما را سفارش می‌کنم به ترس از خدا در نهان و عیان
و اندک خوردن و اندک خفتن و اندک گفتن
و کناره گرفتن از گناه و زشتی‌ها
و مواظبت بر روزه و برپاداشتن نماز
و فرونهادن هواهای شیطانی و خواهش‌های نفسانی
و شکیبایی بر بی‌مهری مردمان
و دوری گزیدن از همنشینی با احمقان و نابخردان
و همنشینی با نیکان، صالحان و بزرگواران
همانا بهترین مردم کسی است که برای مردم مفید باشد
و بهترین گفتار، کوتاه و گزیده است
و ستایش از آن خداوند است

فهرست

۷	مقدمه ناشر
۹	مقدمه محقق
۹	عرفان اسلامی
۹	عرفان نظری، عرفان عملی
۱۱	کلام محقق قیصری در موضوع علم عرفان
۱۲	رابطه عرفان عملی با عرفان نظری
۱۳	تفاوت عرفان عملی با اخلاق عملی
۱۳	آموزه‌های عرفان نظری و عملی در ثقلین
۱۷	معرفی رسائل
۹۹	مقامات القلوب (شیخ ابوالحسین نوری)
۱۱۵	فی بیان المکاشفة و المشاهدة (روزبهان بقلی)
۱۲۳	منازل القلوب (عبدالله سیمایی)
۱۵۹	قواعد العشره (شیخ نجم الدین کبری)
۱۹۵	قلب المتقلب (شیخ سعدالدین حمویه)
۲۲۷	رسالة لطيفة فی الذوقیات (فخرالدین عراقی)
۲۳۹	رسالة فی الحمد و معناها فی التصوف (فخرالدین عراقی)
۲۵۵	تحقیق الروح (تاج الدین اشنوی)
۲۶۵	رسالة نوریه (شیخ علاء الدوله سمنانی)
۲۷۹	رسالة فتوت (شیخ علاء الدوله سمنانی)
۳۰۳	رسالة ذکریه (میرسید علی همدانی)
۳۲۵	شرح ابیاتی از تائیه ابن فارض (عبدالرحمن جامی)
۳۶۷	رسالة تائیه (شرح بیت اول مثنوی) (عبدالرحمن جامی)

۳۷۷	سررشته (عبدالرحمن جامی)
۴۰۱	رساله حورائیه (خواجه عییدالله جامی)
۴۰۹	لطایف و معارف (شمس الدین محمد روجی)
۴۱۹	سواد الوجه (سید احمد بن سید جلال الدین کاشانی)
۴۳۳	رساله دقیقه (شیخ عیسی شطاری)
۴۴۵	شرح اصطلاحات
۴۸۹	تراجم
۵۰۷	نمایه ها
۵۰۹	آیات
۵۱۶	روایات
۵۱۹	اشعار عربی
۵۲۱	اشعار فارسی
۵۲۶	اصطلاحات
۵۳۶	اعلام
۵۳۷	اماکن
۵۳۸	کتابنامه
۵۴۱	مآخذ و منابع

مقدمه ناشر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على اعدائهم اجمعين

مجموعه‌ای که در این دفتر خدمت خوانندگان محترم و ارباب فضل تقدیم می‌گردد، شامل آثاری از عارفان بزرگ جهان اسلام است. این آثار گرانبها در گذشته به صورت پراکنده در ضمن مجموعه‌های مختلف و یا به صورت مستقل به چاپ رسیده که گاه بدون تحقیق، تصحیح و ویرایش بوده است. در کتاب حاضر علاوه بر ویراستاری، تحقیق و مستند سازی آیات، روایات، اقوال و اشعار در حدّ توان انجام شده و در قالبی جدید به دستداران معارف اسلامی و مشتاقان سیر و سلوک توحیدی و طالبان تهذیب نفس تقدیم می‌گردد.

امید اینکه امت اسلامی با تمسک به معارف و حیانی و درس‌آموزی از مکتب نورانی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله، اهداف مقدّس انقلاب اسلامی و آرمان‌های قدسی امام خمینی رحمه الله را بر مبنای «عقلانیت، معنویت و عدالت» در سراسر گیتی نشر دهند، و پرچم پرصلابت اسلام عزیز را با اقتدار به اهتزاز درآورند و زمینه تشکیل «حیات طیبه» جهانی و بسط توحید را به امامت قطب عالم امکان، ولیّ دهر، امام عصر، حضرت حجة بن الحسن علیه السلام فراهم نمایند.

شیخ سعدالدین حموی فرموده است: «لن يخرج المهدي عليه السلام حتى يسمع من شراك نعله اسرار التوحيد؛ حضرت مهدی علیه السلام ظهور نمی‌فرماید تا آنکه از بندهای کفش او هم اسرار توحید شنیده شود».

چرا که غایت قدسی تاریخ، تشکیل مدینه فاضله توحیدی است که به دست توانای انسان کامل (یدالله) انجام خواهد پذیرفت. او آخرین و بزرگ‌ترین حلقه سلسله نورانی منادیان توحید است که جهان را از ظلمت به نور، از جهل به علم، از ظلم به عدالت، از کثرت به وحدت و از شرک و کفر به توحید هدایت و منتقل می‌نماید.

«اللهم ارني الطلعة الرشيدة والغرة الحميدة، واکحل ناظري بِنَظَرَةٍ مَنى اليه، و عَجَل فرجه و سَهِّل مخرجه و اوسع منهجه و اسلک بی محجته و أنفذ امره».

ای شاهد جان بازا، درغیب جهان کم زن	نقش رخ زیبا را در پرده عالم زن
راز ابدیت را در پرده نهان گردان	یا رخ به جهان بنما وز سرازل دم زن
اوضاع جهان بنگردهرم شده چون زلفت	برنظم جهان دستی بر طره پرخم زن
چون دلبر آفاقی مشکن صف دل‌ها را	چون کعبه عشاقی حرفی ز صفا هم زن
مانند خلیل ای جان آتشکده گلشن کن	بازار صنم بشکن راه بت اعظم زن
هم شعله موسی را در وادی طور افروز	هم سَر مسیحا را بر سینه مریم زن
چون خسرو امکانی بر کشور گردون تاز	چون پرتو سبحانی بر عرش معظم زن
لا هوت مسیحا را محورخ زیبا کن	و آشوب کلیسا را زین معجزه برهم زن
هم قصه حسنت را بر خیل ملائک گو	هم شعله عشقت را بر خرمن آدم زن
صد قافله دل گم شد در هر خم گیسویت	دستی پی دلجویی بر گیسوی پرخم زن
حالی که رقیبانت مستند ز چشمانت	ز ابروی کمان تیری بر سینه ما هم زن
ناز تو و شوق ما بگذشت ز حد جانا	ز آن عشوه پنهانی راه دل ما کم زن
زخمی که الهی راست در سینه زهجرانت	تا چند نمک پاشی رحمی کن و مرهم زن

در پایان از محققان ارجمند، جناب آقای نجفی و سرکار خانم نجفی که در تحقیق، تنظیم، ویرایش و به انجام رسیدن این مجموعه متحمل زحمت بسیار شدند تشکر می‌نماییم و موفقیت ایشان را از خداوند متان خواستاریم.

ولله الحمد وحده

رجب المرجب ۱۴۳۵

مقدمه محقق

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد وآله الطاهرين

رسائل و آثاری که در این مجموعه به محضر خوانندگان محترم تقدیم می گردد
جملگی صبغه عرفانی دارد. از این جهت ذکر مقدماتی هر چند مختصر لازم
می نماید.

عرفان اسلامی

عرفان اسلامی از جمله علوم است که در دامن پربرکت تعالیم و آموزه های
و حیانی قرآن، پیامبر خاتم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام متولد شد، رشد کرد و
به کمال رسید.

کلمات، خطب، ادعیه، مناجات و سیره عملی و معصومانه نبی گرامی اسلام
و عترت طاهره، علیهم السلام منبع و ریشه سامان یافتن عرفان نظری و عملی در اسلام است.^۱

عرفان نظری و عملی

عرفان اسلامی به دو بخش نظری و عملی تقسیم می شود، و دارای موضوع،
مسائل و مبادی مخصوص خود می باشد.^۲

۱- ر.ک: تحریر تمهید القواعد، آیت الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۲۵ به بعد.

۲- ر.ک: مفتاح الغیب، صدرالدین قونوی، ص ۶.

در عرفان نظری از وجود حق تبارک و تعالی بحث و گفتگویی شود. عرفان نظری از جهت روش شناسی علمی، کشف و شهود را مبنای تفسیر و تحلیل هستی شناسی خود قرار داده است، و در قوس صعود و عروج، به بیان فنای در حقیقت وجود با اعمال و مناسک ویژه (سیرو سلوک) می پردازد.

اگر ایزار فیلسوف در شناخت هستی (مبدأ و معاد) عقل و برهان است، ایزار عارف و سالک الی الله، عبودیت، تقوا، تجلیه، تخلیه، ریاضت و حرکت حبی است. البته باید دانست که عرفا علاوه بر اتکا بر کشف و شهود، اندیشه ها و یافته های خود را در حوزه روش های اثبات منطقی و فلسفی قرار داده اند و براهین متعددی را بر اندیشه های خود از جمله وحدت وجود یا توحید ناب صمدی، اقامه کرده اند، که بخشی از آنها در کتاب تمهید القواعد و بخشی دیگر در کتاب اسفار و... ساماندهی و ارائه شده است.

همچنین آنها می گویند این مسائل مهم را از منظر کشف تام محمدی ﷺ و روایات معصومان (علیهم السلام) استنباط و استفاده کرده اند. پس، از نظر آنان عرفان نظری و عملی ره آورد و نتیجه «قرآن، برهان و شهود» است.^۱

در عرفان عملی که به آن «سیرو سلوک» هم می گویند، طریق سلوک، جهاد با نفس، مراقبه دائمی، ریاضت، و التزام به شریعت است.

اساس عرفان عملی، معرفت، تقوا و عبودیت است. عارفان به تبعیت از قرآن و سیره معصومان (علیهم السلام) هر عمل و حرکتی را فقط در چهارچوب تقوا، عبودیت و سلوک متشرعانه مقبول و صحیح می دانند. پیروی و تبعیت دقیق از شریعت و احکام نورانی آن لازم غیرمنفک سیرو سلوک است.

۱- رک: مبانی و اصول عرفان نظری، سید بدالله یزدان پناه، ص ۷۹ و ۸۶ و ۲۵۳ و ۲۶۹.

کلام محقق قیصری در موضوع علم عرفان

قیصری که از اکابر عرفا و از دانشمندان بزرگ اسلامی است، درباره موضوع و مسائل این علم می گوید:

«هو العلم بالله سبحانه من حيث أسمائه وصفاته ومظاهره واحوال المبدء والمعاد وبحقایق العالم».^۱ این قسمت از فرمایش قیصری رحمته الله علیه ناظر به عرفان نظری است.

در ادامه می فرماید: «وبکفیفة رجوعها الى حقيقة واحده وهی الذات الاحدیة و معرفة طریق السلوک والمجاهدة لتخليص النفس عن مضایق القيود الجزئیة و اتصالها إلى مبدئها واتصافها بنعت الاطلاق والکلیة».^۲ این فراز از فرمایش محقق قیصری ناظر به عرفان عملی است.

در عرفان عملی از چگونگی رجوع سالک به حق بحث می شود و راه های سلوک و جهاد اکبر جهت رهایی نفس از زندان طبیعت و قیود عالم ماده مورد گفتگو قرار می گیرد. در این بخش از عرفان، بیان می شود که طالب و سالک الی الله چگونه و از کجا آغاز می کند و در سیرش با چه موانع و خطرات، حالات و مقاماتی مواجه خواهد گشت و از همین جهت است که سالک مبتدی احتیاج به مربی دانا و استاد راه دارد تا او را از راه و رسم منزل ها آگاه کند و از او دستگیری نماید؛ استادی که خود عملاً این راه را طی کرده باشد، و در شریعت و طریقت و معرفت کامل باشد. یعنی فقیه، حکیم، عارف و سالک باشد. پس در واقع عرفان نظری و عملی بیانگر و مفسر قوس نزول هستی و چگونگی رجوع به مبدأ متعال در قوس صعود و عروج است.

در عرفان عملی کیفیت معراج انسان به سمت حق اول تبارک و تعالی و فنای در احدیت وجود مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. آیات شریفه: «لَوْ اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا

۱- رسائل قیصری، ص ۷.

۲- رسائل قیصری، ص ۷، رک. شرح رساله قیصری، استاد سید جلال الدین آشتیانی رحمته الله علیه، ص ۴۳-۴۱.

عِنْدَنَا حَزَائِنُهُ وَ مَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّغْلُومٍ ﴿۱﴾ و «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^۱، کامل‌ترین و زیباترین بیان معصومانه از این حقیقت است.

رابطه عرفان عملی با عرفان نظری

اگر در عرفان نظری صحبت از «وحدت شخصی وجود» و «انسان کامل» می‌شود، عرفان عملی به ما می‌آموزد که چگونه در پرتو تقوا، عبودیت و حرکت حقیقی می‌توان شهوداً و تمکناً به این قلّه رفیع از توحید نائل شد.

پس می‌توان به درستی گفت که «عرفان عملی» به گونه‌ای مترتب بر معرفت و «عرفان نظری» است. چنان که امام العارفین، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «العلمُ امام العمل»^۲. عقل عملی وقتی به کمال لایق خود می‌رسد که در پرتو وظلّ عقل نظری باشد؛ چون عمل رقیقه علم است.

در هر حال کمال عرفان نظری هنگامی است که به سلوک عملی بینجامد. علم و عمل صالح تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند؛ به این معنا که هر علمی منجر به عمل صالح می‌شود و هر عمل صالحی دریچه‌هایی از معرفت را به روی انسان باز می‌کند. کلام نورانی حضرت امیر (علیه السلام) ناظر به این معنا است که فرمود: «إِقْرَأْ وَ أَرَقْ»^۳، بخوان و بالا برو.

از طرفی هم قرآن می‌فرماید: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»^۴.

۱ - سورة حجر (۱۵) آیه ۲۱.

۲ - سورة بقره (۲) آیه ۱۵۶.

۳ - ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۵.

۴ - من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸.

۵ - سورة مجادله (۵۸) آیه ۱۱.

و می‌فرماید: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ»^۱ کلمه پاکیزه به سوی خدا بالا می‌رود و این عمل صالح است که کلمه پاکیزه توحید را بالا می‌برد؛ یعنی انسان را به لقاء و تقرب خداوند نائل می‌کند. لقاء و تقرب نزد عارف عبارت از اشتداد وجود است.

تفاوت عرفان عملی با اخلاق عملی

باید دانست بین «اخلاق عملی» و «عرفان عملی» تفاوت و امتیاز هست، چنان که بین «اخلاق نظری» و «عرفان نظری» تفاوت و امتیاز وجود دارد.

همان گونه که بیان شد موضوع عرفان نظری خداوند و تجلیات اسماء و صفات او سبحانه و تعالی، و موضوع عرفان عملی، کیفیت رجوع به این حقیقت واحده، در پرتوسیر و سلوک، ریاضت، تقوا و عبودیت است.

در «اخلاق نظری»، نفس و صفات مهلکه و منجیه او مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و «اخلاق عملی» به کار بستن مجموعه دستوراتی است که به واسطه آن انسان صاحب ملکاتی می‌شود که افعال، کردار و گفتار شایسته از او صادر می‌گردد و متصف به ملکه عدالت اخلاقی می‌شود.

البته «اخلاق عملی» به عنوان بخشی از مجموعه بزرگ در عرفان عملی مورد توجه و اهتمام سالک الی الله به طریق خاص است.

آموزه‌های عرفان نظری و عملی در ثقلین

با اندک تأمل عالمانه و منصفانه در آثار و کتب عرفای بزرگ اسلامی درمی‌یابیم که آنچه این قوم در عرفان نظری و عملی اظهار می‌کنند نه تنها سخن و رأیی غیر از اسلام و سیره نبوی ﷺ نیست، بلکه آنان مصر هستند که در این دو بخش عرفان، همواره به کتاب خدا و سنت معصومان علیهم‌السلام استناد کنند، و نهایتاً معیار صحت آراء،

اقوال و کردار خود را منطق معصومانه وحی می‌دانند، و هر قول و عملی را که با این معیار سازگاری نداشته باشد به رسمیت نمی‌شناسند و دارای حجیت و صحت نمی‌دانند و فقط سلوک و منش احمدی عليه السلام را راه رسیدن به توحید احدی می‌دانند. و اگر احیاناً در این رشته از علم، از ذوقیات، لسان شعر، دلال و... استفاده می‌شود، در صورتی که استدلال و منطق معصومانه دین را همراه نداشته باشد از حجیت ساقط است.

اگر مکاشفات ذوقی مطابق با قوانین برهانی و کشف معصوم باشد و حکیم و عارفی بتواند بین «ذوق و وجدان» و «قرآن و برهان» جمع عالمانه و محققانه کند، این کشف ذوقی دارای جایگاه شریفی است و گرنه چنان که حکیم و عارف بزرگ صدر المتألهین عليه السلام می‌فرماید: «فان مجرد الكشف غير كاف في السلوك من غير برهان، كما ان مجرد البحث من غير مكاشفه نقصان عظيم في السير»^۱.

همچنین جناب صدر المتألهین عليه السلام فرموده‌اند: «حاشی الشريعة الحققة الالهية البيضاء، ان تكون احكامها مصادمة للمعارف اليقينية الضرورية، وتباً لفلسفة تكون قوانينها غير مطابقة للكتاب والسنة»^۲.

احکام و ساحت مقدس شریعت حقّه الهیه هیچ‌گاه با معارف یقینی ضروری مخالف نیست و منافات ندارد؛ و مرگ بر فلسفه ای که قوانین آن با آموزه‌های قرآن و سنت مطابقت نداشته باشد!

همچنین این عارف و حکیم نامدار می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَكُن دِينَ دِينَ الانبياء عليهم السلام فليس من الحكمة في شيء؛ ولا يعد من الحكماء مَنْ ليس له قدم راسخ

۱- اسفار، ج ۷، ص ۳۲۶.

۲- اسفار، ج ۸، ص ۳۰۳.

فی معرفة الحقایق»^۱.

کسی که دین او دین انبیا علیهم السلام نباشد، هیچ چیز از حکمت را فرا نگرفته است؛ و کسی که قدم راسخ در معارف و حقایق ندارد، از حکما شمرده نمی شود.

همچنین می فرماید: «قد اشرنا مراراً الى انّ الحكمة غير مخالفة للشرائع الحقّة الالهية، بل المقصود منهما شيء واحد، وهى معرفة الحقّ الاول و صفاته و افعاله، و هذه تحصل تارة بطريق الوحي و الرسالة فتسمى بالنبوة، و تارة بطريق السلوك و الكسب فتسمى بالحكمة و الولاية»^۲.

مکترراً اشاره کرده ایم که حکمت با شریعت حقّه الهیه هیچ مخالفتی ندارد. بلکه مقصود دین و حکمت یک چیز است، و آن معرفت حقّ اول یعنی خداوند و صفات و افعال او است.

از این رو حکمت متعالیه و عرفان، علم دینی محسوب می شوند. در هر حال با مراجعه به کتب اساطین علم عرفان و حکمت متعالیه، تعلّق خاطری عمیق و ناگسستنی بین قرآن، عرفان و برهان مشاهده می کنیم. به گونه ای که دین داری عارفانه و سلوک متشرعانه، و هم آهنگی عقل، نقل و شهود، در سراسر سیره علمی و عملی فیلسوفان و عارفان بزرگ و نام آور شیعه موج می زند.

زندگی متشرعانه، زاهدانه و عارفانه فقیهان، حکیمان و عارفان چهار قرن اخیر، از حضرات آیات صدر المتألهین و قاضی سعید قمی و ملاحسینقلی همدانی تا عصر حاضر شاهد صحتّ این مطلب است. این اندیشمندان نامدار که هر کدام ابوذر و سلمان زمان خود محسوب می شوند، بزرگ ترین پاسداران سنگرهای اعتقادی، معنوی و سیاسی و پناهگاه جامعه تشیع بوده و هستند. انقلاب و نظام جمهوری اسلامی،

۱- اسفار، ج ۵، ص ۲۰۵.

۲- اسفار، ج ۷، ص ۲۳۶-۲۳۷.

نتیجه و ولیده این تفکر جامع و نظام فکری منسجم و مبارک است که به دست توانای فقیه، حکیم، عارف و مصلح بزرگ دوران، حضرت امام خمینی علیه السلام محقق گشت.

همچنین این مسئله تاریخی در عرفان شیعی در چهار قرن اخیر بسیار قابل توجه و تأمل است که در حوزه‌های علمیة اصفهان، تهران، نجف و قم شخصیت‌های بزرگ عرفانی ظاهر شدند که داخل هیچ کدام از سلاسل تصوّف نیستند.

از مهم‌ترین خصوصیات و امتیازات آنان این است که از فقهای بزرگ و بعضاً مراجع تقلید زمان خود بوده‌اند، ضمن اینکه از حکیمان و عارفان و سالکان و مجاهدان ممتاز و گاه بی نظیر عصر محسوب می‌شده‌اند.

به نظر می‌رسد چند شخصیت بزرگ که به عنوان تیمّن و تبرک نام شریفشان ذکر می‌شود مهم‌ترین عوامل شکل دهنده، حفظ کننده و ادامه دهنده این جریان نورانی و پربرکت هستند. این بزرگان عبارتند از:

۱. صدر المتألهین ۲. ملا علی نوری ۳. سید رضی الدین لاریجانی ۴. حکیم ملا هادی سبزواری ۵. آقا محمد رضا قمشه‌ای ۶. میرزا هاشم اشکوری ۷. میرزا محمد علی شاه آبادی ۸. حضرت امام خمینی ۹. سید علی شوشتری ۱۰. ملا حسینقلی همدانی ۱۱. میرزا جواد آقا ملکی ۱۲. سید احمد کربلایی ۱۳. سید علی آقا قاضی ۱۴. میرزا جواد آقا انصاری همدانی ۱۵. علامه طباطبایی؛ رضوان الله علیهم اجمعین!

* * *

اکنون به معرفی رسائل این مجموعه و پدید آورندگان آنها می‌پردازیم.

ببخشید خبر زلدنایم خبر زلدنایم



ما و پیا کس خیا وید
ای بی خبر زلدنایم

معرفی رسائل



• مقامات القلوب

ابوالحسین نوری

ابوالحسین احمد بن محمد نوری (متوفی ۲۹۵ ه.ق) یکی از شخصیت های عرفانی تأثیرگذار در جهان اسلام است. در محافل عرفانی به صورت کلی از سه مکتب نام برده می شود: ۱- مکتب بصره، منسوب به حسن بصری ۲. مکتب طیفوری، که منتسب به بایزید بسطامی است و به آن مکتب خراسانی هم می گویند ۳. مکتب جُنید، که مکتب بغدادی نام دارد. ابوالحسین نوری ظاهراً متعلق به مکتب جُنید است که اساس آن زهد و هوشیاری است، چنان که می گویند مکتب بصره، زاهدانه و مکتب خراسانیان بر پایه مستی و بندگی (بندگی مستانه) بوده است.

علوم نظری و سلوك عملی عارفان مسلمان بر پایه قرآن و احادیث و سیره عملی پیامبر اکرم و امام علی بن ابی طالب علیه السلام است. شهید مطهری در کتاب کلیات علوم اسلامی (بخش عرفان نظری) می نویسد: «عرفان، هم در بخش عملی و هم در بخش نظری با دین مقدس اسلام تماس و اصطکاک پیدا می کند، زیرا اسلام مانند هر دین و مذهب دیگر؛ و بیشتر از هر دین و مذهب دیگر روابط انسان را با خدا و جهان و خودش بیان کرده و هم به تفسیر و توضیح هستی پرداخته است. قهراً اینجا این مسئله طرح می شود که میان آنچه عرفان عرضه می دارد با آنچه اسلام بیان می کند چه نسبتی برقرار است. البته عرفای اسلامی هرگز مدعی نیستند که سخنی ماورای اسلام دارند، و از چنین نسبتی سخت تبری می جویند. برعکس، آنها مدعی هستند که حقایق اسلامی را بهتر از دیگران کشف کرده اند و مسلمان واقعی آنها می باشند. عرفا چه در بخش عملی و چه در بخش نظری همواره به کتاب و سنت و سیره نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام و اکابر صحابه استناد می کنند»^۱.

ابوالحسین نوری رحمته الله علیه نیز سخت تحت تأثیر آموزه‌ها و گفتمان و حیانی قرآن و سنت و سیره معصومانه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

نگاه و قرائت نوری و اتباع او از قرآن و کلمات نبی مکرم اسلام، نگاه و قرائتی باطنی، عارفانه و گاه تأویلی است، که متأثر از تفسیر عرفانی منسوب به حضرت کاشف حقایق، امام جعفر صادق علیه السلام است.^۱

نوری همچنین در کتاب «منازل القلوب» بر سر سفره قرآن و معارف باطنی آن نشسته و هنگام توصیف مائده‌های و حیانی از زبان تمثیل و استعاره و تأویل سود جسته است.

در حدیث آمده است: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا، وَ لَبْظُهُ بَظْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» و در روایت دیگر آمده «إِلَى سَبْعِينَ بَطْنًا».^۲

مولای بلخ در بیان این حدیث چنین فرموده:

حرف قرآن را مدان که ظاهراست	زیر ظاهر باطنی هم قاهر است
زیر آن باطن یکی بطن دگر	خیره گردد اندر او فکرو نظر
زیر آن باطن یکی بطن سوم	که در او گردد خردها جمله گم
بطن چهارم جز نبی خود کس ندید	جز خدای بی نظیر بی ندید
همچنین تا هفت بطن ای بوالکرم	می شنو توزین حدیث معتصم
توز قرآن ای پسر ظاهر مبین	دیو آدم را نبیند غیر طین

۱ - تفسیر عرفانی منسوب به حضرت امام صادق علیه السلام، منبع الهام همه تفاسیر عرفانی عارفان اهل سنت و عارفان شیعه است. تفسیرهای سلمی، ابن عطا، ابوالحسین نوری، منصور حلاج و ... نیست گرفته از تفسیر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام است. «پل نويا» محقق فرانسوی در کتاب خود به نام «تفسیر قرآنی و زبان عرفانی» می نویسد: «از اتفاق نیک، تفسیر کاملی را که به نام امام جعفر صادق علیه السلام به دست محمد بن ابراهیم نعمانی (۳۲۸ هـ. ق)، شاگرد کلینی، فراهم آمده است در دست داریم». تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ص ۱۳۱.

همچنین ر.ک: التفسیر المنتسب الی مولانا ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام و مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، ج ۱ و مکتب تفسیر اشاری، سلیمان آتش.

۲ - میزان الحکمة، ج ۸، ص ۹۵

ظاهر قرآن چو شخص آدمی است که نقوش ظاهر و جانش خفی است^۱
 فقیه، متکلم، محدث و حکیم نام آور، شیخ بهایی رحمته الله علیه در عظمت مثنوی و
 تبعیت آن از قرآن کریم گفته است:

من نمی گویم که آن عالی جناب هست پیغمبر ولی دارد کتاب
 مثنوی معنوی مولوی هست قرآنی به لفظ پهلوی
 مثنوی او چو قرآن مُدَلّ هادی بعضی و بعضی را مُضَلّ

مرحوم آیت الله العظمی آقا سید ابوالحسن قزوینی - قدس سره - از مثنوی به
 عنوان «تفسیر» ملای روم نام می بردند.

مهم ترین هم عصران و مصاحبان نوری عبارتند از: شبلی، جنید، سری
 سقطی، ذوالنون و حسین بن منصور حلاج. گویند چون نوری وفات یافت، جنید
 گفت: با مرگ نوری نیمی از این علم (عرفان) برفت.^۲

شیخ ابوالحسن نوری در مقدمه «مقامات القلوب» به استناد آیات قرآن به
 معرفی صدر، قلب، فؤاد و لُب می پردازد. «صدر» را ظرف «اسلام»، «قلب» را
 ظرف «ایمان»، «فؤاد» را ظرف «معرفت» و «لُب» را ظرف «توحید» می داند.

آن گاه می گوید: به وسیله «ایمان» خانه دل مؤمن از شرک، شک، نفاق و شقاق
 پاکیزه می گردد. سپس ابزارهای قلب را در جهت معرفت چنین برمی شمارد: نرمی،
 سعه، سلامت، هدایت، سکینه، طمأنینه و روشنایی.

بعد از این، به بیان برخی از خصوصیات قلوب اهل انکار می پردازد که عبارتند
 از: ضیق صدر، قساوت، تاریکی، قفل، مانع، سد و انکار. در بخش بعد سه طور از
 قلوب را معرفی می کند: عاصیان، مطیعان و عارفان. آن گاه صفت «قلب سلیم» را

۱ - مثنوی مولوی.

۲ - نفحات الانس، عبدالرحمن جامی، ص ۷۸.

بازگو می‌نماید. در بخش دیگر به بیان قلعه‌های محکم قلوب مؤمنان می‌پردازد که شیطان را به آن حریم امن و مستحکم راه نیست. قلب مؤمن با این قلعه‌های هفت‌گانه مانند جبل راسخی می‌شود که باده‌ها و طوفان‌ها آن را نمی‌لرزاند.^۱ این دژها عبارتند از: معرفت، ایمان، اخلاص، رضا، قیام برای فرائض الهی، ادب نفس، و تا هنگامی که مؤمن در تدبیر و مشغول ادب نفس است، شیطان به او راه ندارد.

سپس آتش‌های قلب مؤمن را به این ترتیب برمی‌شمرد: آتش خوف، آتش محبت، آتش معرفت و آتش شوق.

نوری در ادامه از انوار قلب عارف سخن می‌گوید و علائم این قلب نورانی را ذکر می‌کند. بعد از این به بیان درخت پاکیزه معرفت و هفت شاخه آن در قلب عارف می‌پردازد و میوه آن را «علم و حکمت» می‌داند؛ و در مقابل آن می‌فرماید: شجره خبیثه هوای نفس و نتیجه ناپاک و تلخ آن، آز، شهوت، گزافه‌گویی، کینه و دشمنی، حرام و شبهه، مکر و خدعه، ریا و سرانجام پشیمانی و حسرت است. این همان شجره منهیه‌ای است که سرانجامش دوزخ است.

﴿وَأَمَّا مَنْ حَقَّقَتْ مَوَازِينُهُ فَأُتِمَّتْ هَاوِيَّتُهُ وَ مَا أَذْرَاكَ مَا هِيَ نَارُ حَامِيَّتِهِ﴾^۲

اُم را از آن جهت اُم می‌گویند که مقصد بچه است، آیه می‌خواهد بفرماید: که اگر فرد گنه‌کار در جهنم سقوط می‌کند، در واقع جهنم همان مقصد و مأوایی است که تمام عمر به سویش رفته است، اصلاً مقصدش بوده و به این طرف (مادرش) حرکت کرده است و حال دارد به مادر خود می‌رسد. او فرزند همین مادر (هوی، هوس و طبیعت) است، و به دامن مادر خود فرو می‌آید.^۳

۱- «المؤمن أصلب من الجبل الجبل يستقل منه شيء والمؤمن لا يستقل من دينه شيء»؛ کافی، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲- سورة قارعه (۱۰۱) آیات ۸-۱۱.

۳- رك: خدمات متقابل ایران و اسلام، شهید مطهری.

در آخر کتاب به توصیف بستان‌های دل عارف می‌پردازد و از ده باغ: توحید، سبیل (طریق)، یقین، تواضع، حلال، حلم، سخاوت، رضا، اخلاص و علم نام می‌برد و می‌گوید: مؤمن مانند باغبانی است که دائم با دقت و وسواس از این بستان الهی و درختان و میوه‌های آن مراقبت می‌کند و به آسیب شناسی و آسیب زدایی آنها می‌پردازد تا احیاناً آفت شرک، هوی، شک، حرام، نفاق، شبهه، کبر، حرص، ریا و... بر اشجار طیبه و میوه‌های پاکیزه توحید، یقین، تواضع، حلم، سخاوت و... ننشیند. از مولا و سرور موحدان و پاکیزگان عالم، امام المتقین علی علیه السلام نقل شده که از آن حضرت سؤال کردند:

«يَمَا نِلْتُ مَا نِلْتُ؟» قَالَ عليه السلام: «الْقَعْدُ عَلَى بَابِ الْقَلْبِ».

چنان که لسان الغیب، عارف شیراز فرموده:

پاسبان حرم دل شده‌ام شب همه شب تا در این پرده جز اندیشه او نگذارم

«الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكِنُ فِي حَرَمِ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»^۱.

در حدیث قدسی وارد شده:

«لَمْ يَسْعَنِ أَرْضِي وَلَا سَمَانِي، وَوَسَعَنِي قَلْبُ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ»^۲.

مولانای بزرگ رحمته علیه می‌فرماید:

آینه دل چون شود صافی و پاک نقش‌ها بینی برون از آب و خاک

هم بینی نقش و هم نقاش را فرش دولت را و هم فرش را

۱ - رک: جامع الاخبار، ص ۱۸۵.

۲ - بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

• فی بیان المکاشفة و المشاهده (فصل پنجم رساله القدس)

روزبهان بقلی

شیخ کبیر، ابو محمد بن ابی نصر بن روزبهان بقلی شیرازی، از عارفان شهیر جهان اسلام است.

روزبهان در سال ۵۲۲ ه. ق در شهر فسا از دیار فارس چشم به جهان گشود و در سال ۶۰۶ ه. ق در شیراز به دیار باقی پرکشید. مزارش در شیراز در محله ای معروف به «درب شیخ» است.

روزبهان از دوران کودکی به آموختن و حفظ قرآن پرداخت. در نوجوانی به فراگیری علوم و معارف اسلامی اعم از فقه، منطق، حکمت، حدیث و تفسیر قرآن مشغول گشت و به کمالات علمی نائل شد و این چنین بود که در خدمت فقها علم شریعت را فراگرفت و در محضر حکیمان بزرگ پایه های فلسفی خود را تحکیم کرد.

در جوانی، آتش عشق الهی، شوریدگی و جذبه دامنگیرش شد، از شهر و دیار خود سربه کوه و بیابان گذاشت و مشغول عبادت، ریاضت و مراقبه گشت و به مطالعه و دقت در کتاب آفاق و انفس پرداخت تا حق برای او آشکار گردد.

روزبهان از محضر اساتیدی همچون شیخ صدرالدین اصفهانی، عارف زاهد شیخ جاگیر، شیخ ابوالصفا، شیخ جمال الدین خلیل فسایی و شیخ سراج الدین محمد استفاده های معنوی و سیروسلوکی نمود و به مقامات عالیة شهودی نائل گشت. شیخ، ذوقی سرشار و قلمی به غایت عارفانه و ادیبانه داشت. طهارت قوه خیال، اندوخته های فلسفی، کلامی و عرفانی، تسلط بر معانی و الفاظ، افق اعلای شهودهای عرفانی و سیر عمیق در معارف و حیانی قرآن و احادیث معصومان باعث شد وی زیباترین و لطیف ترین الفاظ را برای پاک ترین و مقدس ترین معانی استخدام نماید و به این وسیله معانی پرده نشین «حور مقصورات فی الخیام» را به «شاهد بازاری» تبدیل کند و در منظر شیفتگان عرفان اسلامی و ادب فارسی قرار دهد.

از شیخ روزبهان در تفسیر قرآن، عرفان، حدیث، علم توحید، علم سلوک، اصول فقه، علم کلام، صرف و نحو، تألیفات بسیاری به یادگار مانده است. آثار عرفانی او عبارتند از: عبهر العاشقین، عرایس البیان فی تفسیر القرآن، رسالة القدس، غلطات السالکین، مشرب الارواح^۱، شرح شطحیات، صفوة مشارب العشق، تحفة المحبتین، بیان المقامات، منهج السالکین، مسالك التوحید، منطق الاسرار ببيان الأنوار، كشف الأسرار و... .

روزبهان، رسالة القدس را بنا به درخواست مشایخ خراسان، ترکستان و ماوراء النهر نوشته و در آن دوازده علم از علوم مورد نیاز اهل سلوک را توضیح داده است. شیخ رحمته الله علیه در مقدمه این رساله مرقوم فرموده:

«مدار طریق سالکان حق به دوازده علم است. اول: توحید، دوم: معرفت، سوم: حالت، چهارم: معاملات، پنجم: مکاشفه و مشاهده، ششم: خطاب، هفتم: سماع، هشتم: وجد، نهم: معرفت ارواح، دهم: معرفت قلب، یازدهم: معرفت عقل، دوازدهم: معرفت نفس»^۲.

سپس در ذیل هر کدام از این علوم دوازده گانه با تقسیم بندی عام، خاص و خاص الخاص به بیان اصول و فروع و خصوصیات آنها پرداخته، و سالکان طریقت را با راه و رسم منزل ها آشنا ساخته است.

با توجه به اهمیت این اثر، شیخ عبدالله سیمابی از عرفای قرن نهم به شرح فصل پنجم این کتاب در خصوص «مکاشفه» پرداخته.

۱ - از عمیق ترین آثار روزبهان که در آن هزار و یک مقام و منزل عرفان عملی را بیان و تفسیر کرده، عمده عناوین و رئوس مطالب آن با منازل السائرین خواجه عبدالله تطبیق می کند.

۲ - رسالة القدس، ص ۴.

• منازل القلوب (شرح فصل پنجم رساله القدس بقلی)

شیخ عبدالله سیمایی

شیخ الهی اصالتاً اهل ترکیه است. او در سنین جوانی از منطقه کوتاهیا (در ترکیه) به استانبول آمد و در محضر دانشمندان عصر خود مخصوصاً علاء الدین طوسی به کسب علم و تحصیل پرداخت. در اثنای تحصیل هنگامی که استادش شیخ علاء الدین به سمت ایران و سپس سمرقند حرکت کرد، او نیز شیخ خود را همراهی نمود. رفتن به سمرقند سمت و سوی حیات علمی و معنوی او را تغییر داد و جذبه‌ای معنوی دامنگیرش گشت. می‌گویند کتاب‌های خود را فروخت و پول آن را به مستمندان صدقه داد. گویی از باری سنگین رها گشت.

تقدیر الهی، او را به محضر عارف نامدار زمان خود، خواجه عبیدالله احرار رهنمون کرد. شیخ الهی تحت تربیت و مراقبت خواجه احرار گام‌های بلند سیر و سلوک را یکی پس از دیگری برداشت. بعد از تمکّن در سلوک، به توصیه استاد به زادگاهش بازگشت و به امر او به دستگیری و تربیت افراد طالب و مستعدّ سیر و سلوک پرداخت.

پس از چندی آوازه علم و تقوای این معلّم معنوی به استانبول رسید و بنا به درخواست علمای آن دیار راهی شد و به افاضه و تربیت معنوی مستعدّان پرداخت.

شیخ الهی در عرفان نظری از پیروان ابن عربی رحمه الله علیه و در عرفان عملی و سیر و سلوک از تابعان خواجه عبیدالله احرار رحمه الله علیه است.

شیخ عبدالله سیمایی در «منازل القلوب» که شرح پنجم از رساله قدسیه شیخ روزبهان شیرازی است، علاوه بر استفاده از تجربیات عرفانی عارفان، از آموزه‌های ابن عربی در مبحث حضرات خمس استفاده کرده است.

آثار شیخ الهی

شیخ عبدالله سیمابی علاوه بر تحصیل و تعلیم و تربیت، به تألیف آثار بسیاری در حوزه معارف الهی موفق شد. برخی از آنها عبارتند از:

۱. اسرارنامه
۲. اصول وصول الهیه (به فارسی)
۳. رساله استله واجوبه
۴. رساله در احديث
۵. رساله در تصوّف
۶. فتوحات الهیه
۷. زاد المشتاقين
۸. مسلك السالكين
۹. نجات الأرواح من دنس الأشباح
۱۰. تخلية الأرواح
۱۱. شرح مفتاح الغيب قونوی
۱۲. منازل القلوب (شرح بخشی از رسالة القدس روزبهان)
۱۳. دیوان اشعار

• قواعد العشره

شیخ نجم الدین کبری رحمته الله علیه

مترجم: کمال الدین حسین خوارزمی

احمد بن عمر بن محمد بن عبدالله، معروف به نجم الدین کبری (۶۱۶-۵۴۰) از اکابر و معارف عرفاست. نجم الدین در تبریز با عارف مجذوب، بابا فرج آشنا و مرتبط شد. به واسطه بابا فرج به علوم باطنی، مراقبه و معرفت نفس و شستن لوح دل از غیر حق آگاه گشت. بابا فرج مجذوب بود، اما نجم الدین جهت سیر و سلوک و تربیت پله پله نیازمند عارف و مرشدی در مقام صحب بود و ظاهراً این کار سنگین از بابای مجذوب ساخته نبود. از آنجا که «تشنه به سوی آب و تشنه تشنه است آب»، نجم الدین به عارفی مرتبی و کاملی راه رفته به نام عمار یاسر بدلیسی (متوفی ۵۸۲ق) رسید و تحت نظر و دستور او به ریاضت، مراقبه و مجاهده پرداخت و سرانجام به مدارج عالی انسانی و معارج روحانی نائل شد و خود یکی از ستارگان پر فروغ آسمان معرفت گشت و به مصداق «وَالنَّجْمُ هُمْ يَهْتَدُونَ»^۱ به دستگیری و هدایت مشتاقان و طالبان راه آخرت و سبیل هدایت پرداخت.

شهید راه معرفت، آیت الله مطهری رحمته الله علیه درباره شیخ نجم الدین کبری می نویسد: «زمانش مقارن است با حمله مغول. هنگامی که مغول می خواست حمله کند، برای نجم الدین پیام فرستادند که شما و کسانتان می توانید از شهر خارج شوید و خود را نجات دهید. نجم الدین پاسخ داد: من در روز راحت کنار این مردم بوده ام، امروز که روز سختی آنها است از آنها جدا نمی شوم، خود مردانه

۱- شعر از عارف حکیم حضرت آیت الله حسن زاده آملی - مدظله - است:

تشنه به سوی آب و تشنه تشنه است آب خدا خدا کند، خدا خدا کند

۲- سوره نحل (۱۶) آیه ۱۶.

سلاح پوشید و همراه مردم جنگید تا شهید شد. این حادثه در سال ۶۱۶ واقع شده است»^۱.

نجم الدین در شهرهای نیشابور، خوارزم، تبریز، همدان، اصفهان، مکه و اسکندریه از مشایخ علوم اسلامی، فقه، حدیث، اخلاق، حکمت، کلام و... را آموخت.

نجم الدین کبری مؤسس و سرسلسله «طریقه کبرویه» است.

کتب رجال و تراجم، او را در سلسله فقها، محدثان، مفسران و زهاد و عباد ستوده اند و از وی به نیکی و بزرگی یاد کرده اند.^۲

شاگردان

مهم ترین و بارزترین شاگردان شیخ نجم الدین که هر کدام از ستارگان هدایتند عبارتند از: مجدالدین بغدادی، سعدالدین حموی، رضی الدین لالا، سیف الدین باخرزی، نجم الدین رازی، بهاء الدین ولد، بابا کمال جندی و شیخ جمال الدین گیلی.^۳

آموزه های مکتب عرفانی شیخ نجم الدین کبری توسط همین شاگردان و مریدان استمرار و رواج پیدا کرد و هر کدام از این تربیت شدگان منشأ خیرات و برکات معنوی و علمی بی شمار در فرهنگ غنی اسلام و ایران شدند.

۱- علوم اسلامی (بخش عرفان) ص ۲۳۵.

۲- رک: طرائق الحقائق، محمد معصوم شیرازی، ج ۲، ص ۳۳۵ و مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۷۵.

۳- رک: نفحات الانس، عبدالرحمن جامی، ص ۴۲۷.

آثار شیخ

شیخ نجم الدین کبری علاوه بر سیاحت های آفاقی و انفسی و تعلیم و تربیت شاگردانی بزرگ، دارای تألیفات نفیسی می باشد که بعضی آنها عبارتند از:

۱. تفسیر عرفانی بر قرآن

۲. رسالة فی الخلوة

۳. عین الحیاة

۴. رساله السائر الحائر

۵. فواتح الجمال و فواتح الجمال

۶. آداب المريدين

۷. الاصول العشرة

رساله «الاصول العشرة» از جمله آثاری است که درباره آداب طریقت، عرفان عملی و آداب سلوک تألیف شده است.

مرحوم شیخ نجم الدین این رساله را با روایت مشهور «الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ»^۱ شروع کرده است. سپس به همین مناسبت به بیان راه های مختلف سلوک پرداخته و فرموده: با اینکه راه های سلوک بسیار است اما این راه ها نهایتاً به سه دسته کلی تقسیم می شوند:

۱. راه ارباب معاملات

۲. راه ارباب مجاهدات

۳. راه ارباب محبت

۱- علم الیقین فی اصول الدین، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۳۴.

و خصوصیات و مزایای هر کدام را به طور مختصر بیان فرموده است. سپس ده اصل سلوک را به ترتیب ذیل شرح و تبیین نموده است:

۱. توبه ۲. زهد ۳. توکل ۴. قناعت ۵. عزلت ۶. مداومت ذکر ۷. توجه کلی به خداوند ۸. صبر ۹. مراقبه ۱۰. رضا

در خاتمه فرموده است: نتیجه این منازل و اصول ده گانه این است که سالک از اوصاف ظلمانی نفس خارج شده و به حیات طیبه روحانی نائل و مصداق آیه شریفه: ﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا﴾^۱ می گردد.^۲

با توجه به به اهمیت و اختصار این رساله، تاکنون ترجمه و شرح های متعددی به فارسی از این اثر انجام گرفته که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- سوره انعام (۶) آیه ۱۲۲.

۲- پیرامون مکاتب و مسالک اخلاقی، روش های تهذیب اخلاق، تعریف علم اخلاق و منشأهای اخلاقی، رابطه میان اخلاق کریمانه و توحید، رابطه معرفت نفس و تهذیب اخلاق و توحید و نقش فضائل اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی به منابع زیر مراجعه فرمایید:

المیزان، ذیل آیات ۱۵۳ تا ۱۵۷ سوره بقره

المیزان، ذیل آیه ۱۰۵ سوره مائده

رساله لبّ اللباب، آیت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی

اوصاف الاشراف، خواجه نصیرالدین طوسی

اربعین، حضرت امام خمینی

شرح حدیث جنود عقل و جهل، حضرت امام خمینی

سر الاسراء (شرح حدیث معراج)، آیت الله حاج شیخ علی سعادت پرور

مبانی نظری و عملی تزکیه، آیت الله حاج شیخ محمد شجاعی

جامع السعادات، ملا مهدی نراقی

لقاء الله، المراقبات و آداب الصلوة، آیت الله حاج میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

- ترجمه و شرح عبدالغفور لاری رحمته الله، از عارفان قرن نهم و از شاگردان ملا عبدالرحمن جامی. در این شرح، لاری از نظرات و اندیشه‌های ابن عربی و اتباع اوسود جسته است. این شرح به اهتمام آقای نجیب مایل هروی و با مقدمه ایشان، توسط انتشارات مولی در سال ۱۳۸۴ به چاپ رسیده است.
- ترجمه و شرح عارف دانا، میرسیدعلی همدانی رحمته الله. عارف همدانی، این رساله را تحت عنوان «رساله ده قاعده» به فارسی ترجمه کرده است. برخی به اشتباه «رساله ده قاعده» را از تألیفات میرسیدعلی دانسته‌اند. این ترجمه با تلاش و همت آقای علی‌رضا شریف محسنی در سال ۱۳۶۲ در تهران به چاپ رسیده است.
- ترجمه و شرح کمال الدین حسین خوارزمی رحمته الله. این اثر، شرحی است آزاد، با نثری دلکش و زیبا همچون آثار دیگر او. مولانا کمال الدین نام «اصول الاصول» را برای ترجمه گونه خود برگزیده است. این ترجمه و شرح در ضمن مقدمات «جواهر الاسرار و زواهر الانوار» نیز آمده است.
- کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی (متوفی ۸۴۰ هـ. ق) متخلص به «حسین»، از عارفان و شاعران قرن نهم هجری محمدی صلی الله علیه و آله است.
- کمال الدین از شاگردان و مریدان خواجه ابوالوفاء خوارزمی است. وی از متأخران سلسله همدانیه بوده و در علم ظاهر و باطن و در طریق سلوک و ذوق از سرآمد ایشان محسوب می‌شود.
- حنفیان هرات او را متهم و تکفیر کردند، در نتیجه شاهرخ میرزای را جهت بررسی و محاکمه از خوارزم به هرات فراخواند. در محکمه، کمال الدین که دانشمندی فرزانه و عالم به علوم عقلی و نقلی بود، اتهامات و اعتراضات مخالفان را

به وجه صواب و معقول جواب گفت و تبرئه گشت و خلاص شد. اما از بک‌های متعصب دست از او برنداشتند و بعد از غلبه و استیلاء بر خوارزم وی را به قتل رساندند. پیکرش در خوارزم در پایین پای قبر استادش خواجه ابوالوفاء مدفون گشت.

گویند جهت تکفیرش غزلی بود که مطلعش این است:

ای در همه عالم پنهان تو و پیدا تو هم درد دل عاشق هم اصل مداوا تو
که الهام گرفته از آموزه‌های وحیانی قرآنی ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ﴾^۱ و ﴿وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينُ﴾^۲ است.

بعضی از سیره نویسان کمال الدین را از اهل سنت شمرده و گفته‌اند او در عین حال گرایش و تمایل به آراء و اندیشه‌های مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و مذهب شیعه داشت^۳. اما مرحوم قاضی نورالله شوشتری رحمته‌الله او را شیعه خالص و از موالیان حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام دانسته است.

او دارای آثار متعددی در علوم عرفانی و ادبی است که عبارتند از:

۱. چهل مجلس
۲. جواهر الاسرار و زواهر الانوار، شرح سه دفتر اول مثنوی مولانا^۴
۳. دیوان فارسی اشعار، که اشتباهاً به اسم منصور حلاج به طبع رسیده
۴. اساس القواعد (در علم حساب)

۱ - سوره حدید (۵۷) آیه ۳.

۲ - سوره شعرا (۲۶) آیه ۸۰.

۳ - جهت آشنایی بیشتر با شخصیت عرفانی و اندیشه‌ها و آراء معرفتی و ادبی عارف خوارزمی به این منابع رجوع شود. ۱. طرائق الحقایق ج ۳؛ جواهر الاسرار و زواهر الانوار جلد ۱؛ شرح مثنوی شریف بدیع الزمان فروزانفر، ج ۱؛ مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری ج ۱؛ ینبوع الأسرار، شرح فصوص الحکم خوارزمی با مقدمه آقای نجیب مایل هروی، جلد ۱.

۴ - کمال الدین خوارزمی، نخست بر مثنوی شرحی منظوم به بحر متقارب سروده و آن را «کنوز الحقایق فی رموز الدقائق» نامیده، و باز به خواش دوستان و مریدانش شرح جواهر الاسرار و زواهر الانوار که شرح دفتر اول تا سوم مثنوی شریف است را به نثر نوشته است.

۵. شرح قصیده بُرده
۶. المقصد الاقصى
۷. آداب المريدين
۸. ارشاد المريدين
۹. كنوز الحقايق في رموز الدقايق (شرح منظور مثنوی)
۱۰. شرح فصوص الحکم^۱
۱۱. ينبوع الأسرار في نصائح الأبرار

خوارزمی در مقدمه «شرح مثنوی» و «شرح فصوص الحکم»، مطالب قابل توجه و سودمندی را در اصول و مبانی عرفان نظری و سیرو سلوک مرقوم فرموده است. در همین مقدمات است که سلسله عرفانی خود را به حضرت امام وصی، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام منتهی می کند.

در چاپ حاضر از ترجمه اصول العشرة، متن عربی رساله با عنوان «م» و شرح خوارزمی با عنوان «ش» مشخص شده است.

همچنین در شرح خوارزمی مقدمه رساله ضبط نشده بود، اما در مجموعه حاضر تمام مقدمه اصول عشره از روی نسخه تصحیح شده آقای نجیب مایل هروی ذکر شده است و نسخه حاضر از این نظر تفاوتی با شرح لاری ندارد.

با توجه به بعضی نقاط مشترك نظری و عملی بین آموزه های تربیتی و عرفانی شیخ نجم الدین رحمته الله علیه در این رساله، با شیوه تربیت و معرفتی یگانه دوران، حضرت

۱ - شرح فارسی فصوص الحکم خوارزمی، نخستین بار به همت و مقدمه آقای نجیب مایل هروی، توسط انتشارات مولی به چاپ رسید. چاپ دوم و نفیس شرح فصوص خوارزمی با تصحیح و تعلیقات عالمانه حکیم و عارف بزرگ، آیت الله حسن زاده آملی - مد ظله - با اسلوبی مطلوب و مرغوب توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم (بوستان کتاب) در سال ۱۳۷۷ به چاپ رسیده است.

امام خمینی علیه السلام در کتاب نفیس شرح چهل حدیث، معروف به «اربعین» و همچنین کتاب «شرح حدیث جنود عقل و جهل»، تا جایی که توانستیم ذیل هر اصل از این اصول ده گانه، به کتاب‌های «اربعین» و «جنود عقل و جهل» ارجاع داده‌ایم، تا خوانندگان محترم ضمن استفاده بیشتر، اجمالات و ابهامات احتمالی این رساله مختصراً با توضیحات نورانی و علمی حضرت امام خمینی علیه السلام برطرف نمایند. لازم به یادآوری است که مقاله مفصل و مفیدی تحت عنوان «مقایسه مشرب عرفانی نجم‌الدین کبری و مشرب عرفانی - اخلاقی امام خمینی علیه السلام» توسط آقای دکتر منوچهر اکبری نگارش شده است. این مقاله در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران (بهار ۱۳۸۰) به چاپ رسیده است.

شیخ نجم‌الدین به تبعیت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به مصداق آیه شریفه ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾^۱ در مقابل مهاجمان بیگانه لباس رزم پوشید و در جهاد با کفار به شهادت رسید. او با اینکه مرد جهاد بود، در مورد رحمت و شفقت میان مؤمنان چنین سروده است:

هر که ما را یار شد ایزد مر او را یار باد

هر که ما را خوار کرد از عمر برخوردار باد

هر که او در راه ما خاری نهاد از دشمنی

هر گلی کز باغ وصلش بشکفت بی خار باد

در دو عالم نیست ما را با کسی گرد و غبار

هر که ما را رنجه دارد راحتش بسیار باد

تکمله

از جمله اشکالاتی که برخی مخالفان عرفان و بعضی مستشرقان و به تبع آنها دسته‌ای از روشنفکران مطرح می‌کنند، موضوع «صلح کل» در عرفان است. آنان بر مبنای درک و برداشت ناصحیح خود می‌گویند با این تفکر عرفانی نباید و نمی‌توان در مقابل باطل، ظلم و فساد ایستاد و با آنها مقابله کرد.

باید به صاحبان این افکار گفت: «حَفِظْتُ شَيْئاً وَ غَابَتْ عَنْكَ أَشْيَاءٌ». دو دستور مهم «نفی» و «اثبات»، «تبری» و «تولی» از مهم‌ترین آموزه‌های عرفان اصیل اسلامی است. عرفان اسلامی که مَثَخَذ از قرآن، احادیث و سنت عملی اولیاء محمدیین - علیهم صلوات رب العالمین - است، غایت قصوایش سرایت توحید ناب در زندگی فردی و اجتماعی بشر است.

سالک عارف، مبتنی بر آموزه‌های توحید در ربوبیت و توحید در تشریع، حق حاکمیت مطلقه بر فرد و اجتماع را مختص به خالق و آفریننده جهان می‌داند. از نظر عارف، وضع قوانین فردی و اجتماعی به اختیار همان کسی است که تکوین در قدرت و اختیار اوست. لذا همه مشروعیّت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی و هر نوع قانون‌گذاری ریشه قدسی و الهی دارد. نزاع حق با باطل، و تقابل انبیا (علیهم السلام) با مستکبران، نزاع در تحقق اراده تشریعی خداوند و توحید ربوبی رب العالمین است. البته در این مقدمه کوتاه نمی‌توان به بسط این مطلب بلند پرداخت.

بہتر آن باشد کہ سَر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

اما به جهت روشن شدن نگاه عارفان، موخّدان و غیور مردان این عرصه شگرف، توجّه خوانندگان فرهیخته را به بیانی از فقیه عارف، فیلسوف متأله و مجاهد اعظم، حضرت امام خمینی (رحمته الله علیه) جلب می‌کنیم:

«اعتقادات من و مسلمین همان مسائلی است که در قرآن کریم آمده

است و یا پیامبر اسلام ﷺ و پیشوایان به حق بعد از آن حضرت بیان فرموده‌اند که ریشه و اصل همه آن عقاید- که مهم‌ترین و با ارزش‌ترین اعتقادات ماست- اصل توحید است. مطابق این اصل، ما معتقدیم که خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات مقدس خدای تعالی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او اطاعت خدا باشد؛ و بنابراین هیچ انسانی هم حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند. و ما از این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر را می‌آموزیم که هیچ فردی حق ندارد انسانی و یا جامعه و ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود که بسیار ناقص است و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید. و از این اصل ما نیز معتقدیم که قانونگذاری برای بشر تنها در اختیار خدای تعالی است، همچنان که قوانین هستی و خلقت را نیز خداوند مقرر فرموده است، و سعادت و کمال انسان و جوامع تنها در گرو اطاعت از قوانین الهی است که توسط انبیا به بشر ابلاغ شده است و انحطاط و سقوط بشر به علت سلب آزادی او و تسلیم در برابر سایر انسان‌هاست و بنابراین بنا، انسان باید علیه این بندها و زنجیرهای اسارت و در برابر دیگران که به اسارت دعوت می‌کنند قیام کند و خود و جامعه خود را آزاد سازد تا همگی تسلیم و بنده خدا باشند. و از این جهت است که مبارزات اجتماعی ما علیه قدرت‌های استبدادی و استعماری آغاز می‌شود و نیز از همین اصل اعتقادی توحید، ما الهام می‌گیریم که همه انسان‌ها در پیشگاه خداوند یکسانند. او خالق همه است و همه

مخلوق و بنده او هستند. اصل برابری انسان‌ها و اینکه تنها امتیاز فردی نسبت به فرد دیگر بر معیار و قاعده تقوا و پاکی از انحراف و خطاست؛ بنابراین با هر چیزی که برابری را در جامعه برهم می‌زند و امتیازات پوچ و بی‌محتوا را در جامعه حاکم می‌سازد باید مبارزه کرد. البته این آغاز مسئله است و بیان یک ناحیه محدود از این اصل و اصول اعتقادی ما؛ که برای توضیح و اثبات هریک از بحث‌های اسلامی، دانشمندان در طول تاریخ اسلام کتاب‌ها و رساله‌های مفصل نوشته‌اند.^۱

گرچه «تبری» و «تولی» در کلمات و سیره اکابر عرفان موج می‌زند، اما در این نوشتار کوتاه فقط به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

شمس‌الدین محمد تبریزی رحمته الله استاد و مراد مولوی می‌گوید:

«.... مبالغه می‌کنند که فلان کس همه لطف است، لطف محض است. پندارند که کمال در آن است، [بلکه این طور] نیست، آن که همه لطف باشد ناقص است.

هرگز روا نباشد بر خدا این صفت که همه لطف محض باشد، [و] سلب کنی قهر را. بلکه هم لطف می‌باید و هم قهر، لیکن به موضع خویش».^۲

در دعای افتتاح در شب‌های ماه مبارک رمضان می‌خوانیم:

«وَ اَيَقِنْتُ اَنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ اَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النِّكَالِ وَ النَّقْمَةِ».^۳

۱- صحیفه امام ج ۵، ص ۳۸۸-۳۸۷.

۲- مقالات، شمس‌الدین محمد تبریزی، ج ۲، ص ۱۷.

۳- اقبال الأعمال، جلد ۱، ص ۱۶۸.

مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی در مثنوی می‌فرماید:

چون نبی سیف بوده است آن رسول^۱ اَمّت او صفدرانند و فحول
مصلحت در دین ما جنگ و شکوه مصلحت در دین عیسی غار و کوه
از برای حفظ و یاری و نبرد برره نا امن آید شیرمرد
در میان اَمّت مرحوم باش سَنّت احمد مَهل، محکوم باش^۲

آری! عارفان راستین، تربیت شده عرفان ناب محمدی ﷺ هستند و افتخارشان به این است که سلسله مشایخ خود را به یگانه جوانمرد و مجاهد عالم، سید و امیر عارفان، حضرت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) می‌رسانند.

اگر در کلمات اهل معرفت، جنگ، ستیز، جدال و... سرزنش شده، جایی است که منشأ جنگ و جدال، وهم و هوای نفس، خیال و خودخواهی و خودرأیی، خشم و کینه توزی باشد.

برخیالی صلحشان و جنگشان وز خیالی فخرشان و ننگشان^۳

جنگ و صلح وقتی مقدّس می‌شوند که بر مدار توحید و ولایت، متلبّس و متحقّق شوند. یعنی «عقلانیت، معنویت و عدالت»، علّت و هدف جنگ و صلح باشند. یعنی همان علّت و هدفی که به صف‌آرایی تاریخی بین انبیا و اولیای الهی، ابراهیم (ع)، موسی (ع)، عیسی (ع) و پیامبر ختمی ﷺ با نمرود، فرعون، جهودان، ابولهب و مستکبران و ظالمان منجر شد.

۱- در حدیث نبوی وارد شده: «بُعِثْتُ بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ بِالسَّيْفِ حَتَّى يُعْبَدَ اللَّهُ تَعَالَى وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»: احادیث

معنوی، ص ۱۹۱.

۲- مثنوی مولوی، دفتر ششم.

۳- مثنوی.

رگ رگ است این آب شیرین و آب شور در خلایق می‌رود تا نفخ صور^۱

از این رو تأویل و منحصر کردن جهاد به عنوان یکی از فروع دین به «جهاد نفس»، توسط کسانی که دارای نوعی گرایش عرفانی سکولار مآب هستند هرگز با آموزه‌های جامع فطری و عقلانی اسلام ناب محمدی ﷺ سازگاری ندارد. در هر حال از مهم‌ترین خطراتی که حوزه اندیشه و علوم اسلامی را در رشته‌های گوناگون آن، اعم از فقه، کلام، اخلاق و عرفان تهدید می‌کند، نفوذ و سیطره سکولاریسم نظری و عملی است. شعارهای تفکیک دین از سیاست، تبلیغ حداقلی دین، دین دولتی و دولت دینی، محدود کردن دولت و نظام اسلامی در اجرای احکام شریعت، محصور نمودن دین در قلمرو شخصی، تعطیل احکام اولیه به بهانه مصلحت گرایی، تبلیغ عرفان و اخلاق منهای شریعت، تشکیک در کارایی فقه در مدیریت کلان جامعه و... همه و همه محصول نفوذ تفکرات سکولاری در حوزه اندیشه و علوم دینی است.

• قلب المنقلب

شیخ سعد الدین حموی

شیخ سعد الدین حمویه رحمته الله از اکابر مشایخ عرفان در خراسان است. وی در ذی الحجه ۵۸۶ ق متولد شد و در ۶۵۰ ق وفات یافت. در سال ۶۰۵ جهت تحصیل و کسب علوم و معارف دینی به سرزمین خوارزم مهاجرت کرد و در مدت ۴ سال در آنجا به اندوختن علوم رسمی مشغول بود. بعد از تحصیل علوم متداول به سفر حج شتافت و پس از آن به خراسان بازگشت و در محضر شیخ المشایخ، جناب نجم الدین کبری رحمته الله (۶۱۸-۵۴۰) به اندوختن علوم عرفانی و سیروسلوک پرداخت. سعد الدین بعد از گذراندن آموزه‌های عرفانی و سلوکی نزد مشایخ خراسان مخصوصاً استفاضه از جناب نجم الدین کبری رحمته الله راهی دمشق شد و در آنجا به دیدار صدرالدین قونوی، مولانا جلال الدین و شیخ اکبر، محی الدین عربی رحمته الله نائل و از نزدیک با افکار و آراء ابن عربی آشنا شد. گرچه شیخ سعد الدین پاره‌ای از اندیشه‌های عرفانی شیخ اکبر را می‌پسندد اما خود در تبیین مطالب عرفانی دارای ذوق و سلیقه‌ای مستقل است و اصطلاحاً از عارفان خراسانی محسوب می‌شود.

وی همچنین با عارف محقق، شیخ صدرالدین قونوی رحمته الله (متوفی ۶۷۳) که بزرگ‌ترین شارح آراء ابن عربی رحمته الله محسوب می‌شود ارتباط و مکاتبات علمی داشته است.

مؤلفان و تاریخ‌نگاران در مذهب سعدالدین حمویه اختلاف دارند. در این میان دانشمندانی مثل حافظ حسین کربلایی^۱ و شیخ شهید قاضی نورالله شوشتری^۲ او را شیعه دوازده امامی دانسته‌اند. دیگری نیز او را به لحاظ فقهی،

۱ - روضات الجنان، حافظ حسین کربلایی، ج ۲، ص ۳۹۲.

۲ - مجالس المؤمنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۷۶.

شافعی مذهب و از لحاظ عرفانی مخصوصاً در موضوع «ولایت» «انسان کامل»، مسئله «ختم ولایت» و حضرت امام مهدی، حجت بن الحسن (عج) شیعه می دانند. برخی دیگر از مورخان، شیخ سعدالدین را شیعه خالصی دانسته اند که مثل بسیاری از عارفان به خاطر تسلط حکام جور و سلطنت شمشیرآنان و همچنین برای حفظ مصالح اسلام و مسلمانان در تقیه به سر می برده است.

شیخ عزیزالدین نسفی ضمن اظهار ارادت و تکریم استاد و مراد خود سعد الدین حمویه در کتاب نفیس «انسان کامل» و «کشف الحقایق» گزارش آراء و عقاید او را در باب «ولایت»، «انسان کامل» و حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می کند و دلالت های قوی بر شیعه بودن این عارف بزرگ دارد.^۱

بنا بر نقل مرحوم قاضی نورالله شوشتری رحمته الله، شیخ سعد الدین فرموده: «اطلاق اسم "ولی" بعد از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مطلقاً و مقیداً بر کسی جایز نیست الا بر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و اولاد معصومین او علیهم السلام».^۲

همچنین سعد الدین رحمته الله در وصیتی به مریدان خود چنین مرقوم داشته: «ما وجدْتُ شیئاً أقربَ إلى الله تعالى مِنْ حُبِّ الرَّسُولِ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَ التَّسْلِيمِ بِمَوَارِدِ الْقَضَا وَالْخُمُولِ وَتَرْكِ الْقُضُولِ».^۳

مرحوم حافظ حسین کربلایی تبریزی در روضات الجنان می نویسد:^۴ «اکثر اکابر، رموز در تاریخ [ظهور] مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته اند و گوهر معنی به الماس سخن سفته اند، به تخصیص شیخ سعد الدین محمد حموی رحمته الله و از اشعار او است:

إِذَا بَلَغَ الزَّمَانُ عَقِيبَ الصَّوْمِ بِبِسْمِ اللَّهِ فَالْمَهْدِي قَامَا

۱ - انسان کامل، عزیزالدین نسفی، ص ۳۲۰.

۲ - مجالس المومنین، قاضی نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۷۶.

۳ - همان.

۴ - روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۹۲.

رباعی

هر روز ز جوی چشم من خون گذرد آه دل گرم من ز گردون گذرد
من بر سر راه آن پری منتظرم آشفته و سرگشته که او چون گذرد

مرحوم سعد الدین رحمته الله علیه دارای ذوق شعری بوده و به زبان فارسی و عربی اشعاری از او باقی مانده که به صورت پراکنده در کتب تراجم و تذکره‌ها ثبت گردیده است. ظاهراً اغلب اشعار او در قالب رباعی است. جهت تبرک و تیمن چند رباعی فارسی و ابیاتی به زبان عربی از ایشان نقل می‌کنیم:

این هستی تو هستی هستی دگراست وین مستی تو مستی مستی دگراست
رو سربه گریبان تفکر در کش کین دست تو آستین دستی دگراست

گر جمله جهان به خویش مقرون بینی در کل جهان خدای بی چون بینی
چون کل جهان آینه کل خداست در کل جهان غیر خدا چون بینی^۱

أَنْتَ قَلْبِي وَأَنْتَ فِيهِ حَبِيبُ وَلِسْقَمِ الْقُلُوبِ أَنْتَ طَبِيبُ
لَيْسَ فِي قَلْبِ مَنْ يَحِبُّكَ صِدْقاً غَيْرُ ذِكْرِكَ حَالُهُ يَشْتَطِيبُ
أَنْتَ سُقْمِي وَصِحَّتِي وَشِفَائِي وَبِكَ الْمَوْتُ وَالْحَيَاةُ يَطِيبُ
وَإِذَا مَا نَظَرْتُ فِي بِلَظْفٍ عَنْ فُؤَادِي وَأَعْيُنِي لَا تَغِيبُ
لَكَ سِرِّي وَمُهْجَتِي وَضَمِيرِي ساجدٌ شاهدٌ وَمَالِي نَصِيبُ

۱ - «سُتْرِيبُهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» سوره فصلت (۴۱) آیه ۵۳. «وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»؛ سوره ذاریات (۵۱) آیه ۲۱.

يا راحة مُهَجَّتِي و نورَ البَصَرِ اسْتَيْقَظَ قَلْبِي بكَ وَ قَتَّ السَّحَرِ
 نَاجَيْتُ صَمِيرَ خَاطِرِي يا قَرِي إِنِّي أَنَا فَيْكَ وَأَنْتَ لِي فِي نَظَرِي^۱

مشايخ و اساتيد

شيخ سعد الدين با اكابر عارفان از جمله مولانا جلال الدين محمد بلخي،
 شيخ اكبر محي الدين و معين الدين جاجرمي مصاحبت و مؤانست داشته است.
 اساتيد و مصاحبان ديگرا و نيز عبارتند از: شيخ المشايخ، نجم الدين كبرى رحمته الله، صدر
 الدين ابوالحسن، محمد بن عماد الدين جويني رحمته الله، شيخ صدر الدين قنوي رحمته الله،
 سيف الدين باخرزي رحمته الله.

شاگردان

شيخ سعد الدين رحمته الله علاوه بر سيرانفسي و آفاقي و تأليف و تحصيل،
 شاگرداني را تحت تعليم و تربيت خود قرار داده است. عزيز الدين نسفي، صاحب
 كتاب ارزشمند «الانسان الكامل» از نام آورترين شاگردان سعد الدين است. تأثير
 پذيري او از استادش در كتاب «انسان كامل» و «كشف الحقايق» و ساير آثار نسفي
 پيدا است.

يكي ديگرا از شاگردان سعد الدين رحمته الله، محمد بن احمد بن محمد
 جويني رحمته الله است. او در بيان آراء و نظرات استاد خود، «مقاصد السالكين» را به زبان
 فارسي نگاشته است.

شيخ صلاح الدين حسن نخجواني رحمته الله كه به امر او كتاب «قلب المنقلب» به
 فارسي بازگردانده شده، از جمله شاگردان سعد الدين حمويه رحمته الله است.

آثار و تألیفات

شیخ سعد الدین رحمته الله علیه مصنفات و تألیفات زیادی دارد. عارف نامی، عبدالرحمن جامی رحمته الله علیه می نویسد:

«در مصنفات وی سخنان مرموز و کلمات مشکل و ارقام و اشکال و دوایر، که نظر عقل و فکر از کشف و حل آن عاجز است، بسیار است؛ و همانا تا دیده بصیرت به نور کشف منفتح نشود، ادراک آن متعذر است».^۱

سعد الدین اهتمام و توجه خاص به علم حروف داشته و در این رابطه رسائل و آثاری نیز نگاشته و جداول مخصوص به این علم را رسم کرده است. شیخ رحمته الله علیه کلمات منسوب به حضرت مولی الموحدین، امام الحکماء، حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را که فرموده: «الْعِلْمُ نَقْطَةٌ وَاَنَا نَقْطَةٌ» و «الْعِلْمُ نَقْطَةٌ وَكَثْرَةُ الْجَاهِلُونَ»، مورد توجه و مبنای خود در این علم قرار داده است.^۲

محقق ارجمند، جناب آقای نجیب مایل هروی در مقدمه کتاب «المصباح فی التصوف»، آثار شیخ سعد الدین را نام برده، که ما برخی از آنها را در اینجا ذکر می کنیم:

۱. ظهور التوحید فی نور التجرید
۲. الاحصار فی علم الأسماء الحسنی
۳. اسرار الباری فی نغمات القاری
۴. اسباب الفضل لارباب الفضل
۵. الاشارة فی الاشارة

۱ - نفحات الانس، نور الدین عبدالرحمن جامی، ص ۴۳۱.

۲ - ر.ک: المصباح فی التصوف، سعد الدین حموی، ص ۵۸ و ۱۴۱.

۶. عيد الفطر
۷. السلطان على الشيطان
۸. كتاب الدعاء عند فتح باب الكعبة
۹. التعريف فى معنى الكشف
۱۰. المقامات النزولية
۱۱. شرح و تعبیر خوابی که در نصیبین در صفر ۶۴۰ بر وی رفته است
۱۲. شرح الصاد
۱۳. الحاح القاصد
۱۴. الجمع بين الانفس والاعين
۱۵. محبوب المحبين و مطلوب الواصلين (محبوب الاولياء)
۱۶. سجنجل الارواح و نقوش الالواح
۱۷. سكينه الصالحين فى معرفة قواعد اليقين
۱۸. تحقيق المراتب الخمس للنفس و شرح حديث «بنى الاسلام على خمس»
۱۹. لطايف التوحيد فى غرائب التفريد
۲۰. حقايق الحروف
۲۱. سفينة الابرار فى لجج الاسرار
۲۲. كتاب الحرف
۲۳. كلام سعد الدين در تعابير حروف هجا

۲۴. ادعیه سعدالدین حمویه

۲۵. المصباح فی التصوف

۲۶. قلب المنقلب

شیخ سعد الدین این کتاب را که در معرفت «اطوار قلب» است به زبان عربی نگاشته . او در این کتاب برای هر طور از اطوار هفت گانه قلب یعنی صدر، قلب، شغاف، فؤاد، حبه القلب، سویدا و مهجه، خصوصیات و آثاری را برشمرده و هر کدام را محکوم به حکمی از اسماء الهی دانسته است.

سعد الدین، ترقی و رفعت روحانی را در گرو شناخت، حفاظت و طهارت قلب و اطوار آن می داند. این قلب پاکیزه متعلق به کسانی است که به واسطه سلوک در خط عبودیت و تقوا قرار گرفتند و در دست شیطان هوس و فرعون هوی مبتلا و هلاک نشدند و مصداق ﴿تَاكِسُوْهُمۡ وَهُمْ عِنۡدَ رَبِّهِمْ﴾^۱ نگشتند.

شیخ عارف بعد از بیان خصوصیات اطوار سبعة قلب، به مناسبت موضوع به بیان پاره ای از تجلیات جلالی برای صاحبان مقام جذبه پرداخته است. او مشایخ ارباب معرفت را چهار گروه دانسته که عبارتند از: مجذوب مطلق، مجذوب سالک، سالک مجذوب و سالک مطلق. این صاحب دولتان خوشبخت، متحیر بین جلال و جمال خداوند متعال هستند.

ترجمه قلب المنقلب

همان طور که گفته شد، اصل این رساله به زبان عربی است و در زمان حیات مؤلف، به فارسی ترجمه نشده. بعد از وفات سعد الدین رحمته الله علیه شیخ صلاح الدین حسن نخجوانی^۱ (متوفی ۶۹۸) این رساله را در کرمان به یکی از مریدانش به نام «اخى منصور» داد و او را امر به ترجمه و حلّ رموز آن نمود. «اخى منصور» از عهده این وظیفه مهمّ به نیکی برآمد، و به این وسیله فارسی دانان مشتاق معارف عمیق اسلامی را بر سر این سفره معنوی نشاند.

بنابر تحقیق محقق سخت کوش، مُحیی «پاره‌های پیر»، جناب استاد نجیب مایل هروی، از متن عربی «قلب المنقلب» نسخه‌ای دیده نشده است.^۲

۱ - صلاح الدین حسن نخجوانی (متوفی ۶۹۸ هـ. ق) از مشایخ عارفان است. او از بخارا به کرمان مهاجرت کرده و حدود ۲۷ سال در این شهر زندگی کرد. عده بسیاری در کرمان تحت تربیت و تعلیم او قرار گرفتند. وی از شاگردان و تربیت شدگان جناب سعد الدین حمویه است. ر.ک: روضات الجنان. ج. ۱، ص ۱۴۰ و ۴۹۴ و ۵۹، رشحات عین الحیات ج ۲، ص ۳۶۸.

۲ - رساله «قلب المنقلب» برای بار نخست به همت آقای هروی در مجله معارف شماره ۱۴ آبان ۱۳۶۷ در ۳۳ صفحه به چاپ رسید.